

نقد و بررسی کتاب

«شخصیت‌پردازی در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس»

نوشته حسن بارونیان

با حضور دکتر محمد رضا سنگری، خانم بلقیس سلیمانی، آقای علی اصغر شیرزادی و مؤلف

اشاره

نشست علمی نقد و بررسی کتاب «شخصیت‌پردازی در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس» نوشته آقای حسن بارونیان در سرای اهل قلم برگزار شد. در این نشست، آقای دکتر محمد رضا سنگری، خانم بلقیس سلیمانی، آقای علی اصغر شیرزادی و مؤلف کتاب حضور داشتند. آنچه می‌خوانید، متن ویراستهٔ مباحث مطرح در این نشست علمی است.

عرض نمایم. همانطور علاقه‌مندان به ادبیات داستانی مستحضر هستند، ادبیات یکی از شاخه‌های بسیار متعالی و پیشرفتهٔ هنر است که بیش از شاخه‌های هنری دیگر می‌تواند روحیات، عواطف، احساسات و اخلاق و رفتار انسان را تحت‌الشعاع قرار دهد و وجود انسان را متحول نماید. بر همین اساس و به دلیل اینکه ادبیات داستانی ما، یکی از شاخه‌های ادبیات ملی کشورمان است و در ادبیات کشور ما، گونه‌ای نو به حساب می‌آید و دارای شاخص‌ها، ابعاد و آفاق بسیار غنی و قوی و تازه‌ای است، کم‌توجهی به این نوع ادبیات در رساله‌های دانشگاهی، خاصه در حوزهٔ دفاع مقدس، ضعف بزرگی به حساب می‌آید؛ لذا بنده با توجه به علاقه‌ای که به ادبیات داستانی، به‌ویژه ادبیات دفاع مقدس داشتم، تصمیم گرفتم پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد خود را به این موضوع اختصاص دهم. البته در این زمینه یعنی داستان کوتاه دفاع مقدس با کمبود منابع مواجه بودم که سعی کردم این مشکلات را نادیده بگیرم و سختی‌ها و مرارت‌ها را تحمل کنم و در نهایت با همت و حمایت نهادهای فرهنگی مرتبط با این حوزه به‌ویژه بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، دفتر ادبیات پایدار، حوزهٔ هنری و سایر نهادهای انقلابی این پژوهش فراهم آمد و به سرانجام رسید و حاصل کار کتابی است که هم‌اکنون در اختیار شما عزیزان است؛ البته با توجه به کمبود وقت و امکانات و منابع محدود، اشکالاتی در کار مشاهده

دکتر سنگری: خدمت دوستان بزرگوار سلام عرض می‌کنم و از تمامی کسانی که این فضا و فرصت را فراهم آوردند تا امروز در خدمت استادان بزرگوار و نیز نویسندهٔ عزیزمان، جناب آقای بارونیان، باشیم و در زمینهٔ شخصیت‌پردازی در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس که پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد جناب آقای بارونیان است، بحث نمایم و این مقوله را نقد و تحلیل کنیم تشکر می‌کنم. ابتدا از آقای بارونیان درخواست می‌کنم دربارهٔ این اثر توضیحات لازم را بیان نمایند تا در ادامه از محضر استادان عزیز هم که در جلسه حضور یافته‌اند، بهره‌گیری نمایم.

بارونیان: دربارهٔ علت شکل‌گیری این اثر که پایان‌نامهٔ دورهٔ کارشناسی ارشد بنده در دانشگاه است، باید مطالبی را خدمت دوستان



نکته‌ای را لازم می‌دانم و آن اینکه متأسفانه در فضای فرهنگی ما، نقد نوعی تخریب به حساب می‌آید و در کشور ما فاصله بین نقد و تخریب و مرز بین این دو، چندان مشخص نیست؛ حال آنکه بین نقد و تخریب فاصله زیادی وجود دارد و نقد متفاوت با تخریب است؛ البته بنده مدت‌هاست به کار پژوهشی در حوزه جنگ و ادبیات جنگ پرداخته‌ام اما دوستان دیگری بوده‌اند که این حوزه را پی‌گیری نموده‌اند؛ لذا در حرف‌های بنده نیز ممکن است نقایصی وجود داشته باشد و به همین دلیل پیشاپیش از آقای بارونیان که به یقین برای خلق این اثر زحمات زیادی متحمل شده‌اند، عذرخواهی می‌کنم. مطالبی که بنده عرض می‌کنم، دیدگاه‌های یک فرد عادی درباره یک اثر است و طرح آن بدین معنی نیست که شامل و جامع‌الاطراف است.

همان‌گونه که مشاهده می‌نمایید عنوان اصلی کتاب «شخصیت‌پردازی» است و «شخصیت‌پردازی در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس»، عنوان فرعی است. وقتی ما با اثری برخورد می‌کنیم، متوجه می‌شویم که بسیاری از دانسته‌های مربوط به کتاب در گیومه ذهن ما وجود دارد. مثلاً اگر ما بخواهیم درباره جنگ صحبت کنیم، نخست لازم است در این زمینه به نوعی انسان‌شناسی و جهان‌بینی دست یابیم؛ اما همه این مسائل می‌تواند از آغاز آفرینش انسان شروع شود و تا متنی که هم‌اکنون راجع به آن بحث می‌شود، ادامه داشته

می‌شود. لذا لازم می‌دانم این نکته را متذکر شوم که هیچ اثر ادبی در جهان وجود ندارد که خالی از ایراد و اشکال ادبی، زیبایی‌شناختی، فنی و نگارشی باشد. این اثر هم از این قاعده مستثنا نیست و دچار لغزش‌ها و کاستی‌هایی است که امیدوارم استادان بزرگوار بنده را در زمینه رفع این نقایص یاری فرمایند.

آنچه باعث شد بنده به سمت این جریان ادبی کشیده شوم، در وهله اول علاقه‌مندی من به این حوزه یعنی حوزه داستان کوتاه و در وهله دوم، اهمیت پدیده دفاع مقدس به عنوان پدیده‌ای که هشت سال تمام مسائل کشور ما را تحت تأثیر خود قرار داد، بوده است و شکی نیست که ادبیات هم در این رهگذر از تغییر و تحولات مصون نماند و موضوع جنگ وارد بسیاری از عرصه‌های ادبی و هنری شد و این عرصه‌ها را تحت تأثیر قرار داد؛ لذا بنده سعی کردم رویکرد جنگ را در ادبیات و به‌ویژه در حوزه داستان کوتاه از جنبه‌های شخصیت و شخصیت‌پردازی و از ابعاد زنده و ملموس مورد بررسی و ارزیابی قرار دهم.

دکتر سنگری: از توضیحات جناب آقای بارونیان بسیار بهره بردیم و در ادامه سعی می‌کنیم ابعاد مختلف این کتاب را در جریان بحث، مورد بررسی قرار دهیم. از سرکار خانم سلیمانی تقاضا می‌کنم مطالب مورد نظر خود را بیان فرمایند.

بلیس سلیمانی: پیش از آنکه به نقد کتاب بپردازم، یادآوری

باشد. بنابراین ما اینگونه فرض می‌کنیم مخاطبی که به سراغ کتاب می‌رود، حتماً راجع به آن ذهنیاتی دارد و اگر به سراغ کتاب می‌رود، برای این است که دانسته‌ها و ذهنیت‌های خود را راجع به آن مقوله افزایش دهد و تکمیل نماید؛ لذا بر این گمانم که نویسنده باید مطالب و جزئیات و داده‌های خود را با دقت کنار هم بچیند. خصوصاً امروزه که زمان ایجاز است و فرصت چندانی برای گردآوری همه مطالب نیست، باید در مقدمه به سراغ عناصر سراسر و رسانه‌ای و کوتاه و موجز برویم و بلافاصله به اصل مطلب بپردازیم. در کتاب آقای بارونیان به این صورت عمل نشده و ایشان بسیار دیر به اصل مطلب پرداخته‌اند؛ البته واقعیت این است که فرم رساله دانشگاهی با کتاب متفاوت است و همین تفاوت ایجاب می‌کند که نویسنده به هنگام تبدیل رساله به کتاب آن را سر و سامان دهد و به گمان من در کتاب آقای بارونیان چنین اتفاقی نیفتاده است. کتاب ایشان دارای مقدماتی بسیار طولانی است که وجود آن چندان ضرورتی ندارد. محور فصل اول کتاب جنگ است. اگر موضوع اصلی کتاب، جنگ بود، چنین چیزی فراخور این کتاب بود؛ حال آنکه چنین نیست. همه ما فرض را بر این می‌گیریم که جنگ پدیده‌ای است که اتفاق می‌افتد و همه ما نیز چنین ذهنیتی داریم. موضوعاتی هم که معمولاً داستان‌نویسان بدان می‌پردازند، معمولاً در پرتو داده‌های ذهنی ما وجود دارد؛ برای همین لازم نبود این مسأله با این جزئیات در آغاز کتاب مطرح شود. واقعیت این است که جنگ نتیجه طبیعی قدرتمندی و محصول تنفر و احساس تحقیر است؛ لذا به نظر من زمانی که یک موضوع ادبی مطرح می‌شود، لزومی ندارد به جنگ که به مثابه پدیده‌ای اجتماعی است، تا بدین حد پرداخته شود؛ مگر اینکه نویسنده بخواهد مقدماتی بچیند و جنگ را آفریننده نوعی ادبیات ویژه معرفی نماید که در این کتاب نه چنین مقدماتی وجود داشته است و نه ضرورتی برای طرح آن به چشم می‌خورد. این جنگ هم مثل هر جنگ دیگری ادبیات خاص خود را داشته است.

بنابراین به نظر من وجود فصل اول ضرورتی نداشته است؛ اگر هم طرح آن ضروری می‌نمود، اختصاص یکی دو صفحه بدان کافی بود. فصل دوم «جنگ در ادبیات داستانی» است که جایگاه جنگ در ادبیات داستانی جهان مورد بررسی قرار گرفته است. این فصل، فصل بسیار خوبی است؛ اما بر این گمانم که بین فصل دوم و سوم، ترتیب منطقی وجود ندارد. فصل سوم «نگاهی به جنگ عراق علیه ایران اسلامی» است. به عقیده من این فصل باید بلافاصله بعد از فصل اول می‌آمد. در اینجا نویسنده نخست جایگاه جنگ در ادبیات داستانی جهان را بررسی کرده و سپس به جنگ ایران و عراق پرداخته است که از لحاظ ترتیب منطقی درست نیست. فصل سوم نیز زیرمجموعه‌هایی دارد که

شامل دلایل ایدئولوژیک، قومی و ناسیونالیستی جنگ است. در این فصل دلایل وقوع جنگ عراق و ایران و ادعاهای ارضی و حقوقی موجود در این زمینه مطرح شده است. این مباحث بسیار محققانه و پژوهشی است اما در کتابی که هدف آن بررسی شخصیت‌پردازی در ادبیات داستانی، آن هم در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس است، طرح آنها چه ضرورتی دارد؟ در ادامه کتاب مراحل جنگ تحمیلی و ذکر موضع جمهوری اسلامی ایران در مقابل جنگ مطرح شده است که مباحثی کاملاً سیاسی است و جایی در کتاب ندارد. فصل چهارم به «ادبیات دفاع مقدس» می‌پردازد که این فصل نیز از لحاظ منطقی در جای درستی قرار نگرفته است. این بخش باید بعد از جایگاه جنگ در ادبیات داستانی جهان قرار می‌گرفت. در این بخش نیز مطالبی آمده که وجود آنها ضرورتی نداشته است و فقط موجب افزایش حجم کار گردیده است. گونه‌های ادبی دفاع مقدس و شعر دفاع مقدس و نیز ذکر نمونه‌های شعر شاعران این حوزه از جمله این مطالب است و ذکر آنها در کتابی که به شخصیت‌پردازی در داستان‌های کوتاه می‌پردازد، ضرورتی ندارد. در این بخش تقسیم‌بندی‌هایی نیز صورت گرفته است؛ نظیر شعر، داستان، نمایشنامه، فیلم‌نامه، و خاطره نگاشت که طرح آنها نیز ضرورتی نداشته است. فصل پنجم به ادبیات داستانی دفاع مقدس می‌پردازد و همه مباحث پیشین مقدمه‌ای بوده است که نویسنده به این موضوع برسد؛ لذا به عقیده من نویسنده ۱۵۹ صفحه پیشین را می‌توانست در ۱۰ صفحه خلاصه کند و مستقیم به بحث مذکور که بحث اصلی کتاب است، بپردازد. در این بخش سابقه ادبیات دفاع مقدس و جایگاه جنگ در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس از نظر گرایش نویسندگان به نگارش ذکر شده است و سپس نویسنده داستان‌های کوتاه دفاع مقدس را بر اساس برش‌های واقعیت تقسیم‌بندی کرده است که این برش‌های واقعیت شامل روایت وقایع جنگ، کالبدشکافی روانی یا روایت روانی وقایع و آسیب‌شناسی جنگ است. بعد موضوعات و زاویه دید مطرح شده است. در همین فصل، بخشی نیز به شخصیت‌پردازی در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس اختصاص یافته است که وجود آن کاملاً ضروری است؛ اما در این فصل بیش از آنکه به شیوه‌های شخصیت‌پردازی پرداخته شود، به شیوه‌های روایت پرداخته شده است. در این بخش مباحث مربوط به تک‌گویی، اول شخص، دانای کل و نامه‌نگاری بیش از معرفی انواع شخصیت‌ها مثل شخصیت فعال و منفعل، شخصیت‌های جامع و ناقص و سایر مباحث مربوط به شخصیت‌ها است. نویسنده در این کتاب بیشتر از زاویه روایت وارد شخصیت‌پردازی شده است. فصل ششم نیز مربوط به مفاهیم و تعاریف داستانی است که به عقیده من جایگاه منطقی و



بلقیس سلیمانی

وجود برخی از این ایرادات گریزناپذیر است و چندان عجیب به نظر نمی‌رسد. به نظر من اگر قرار بود این کار جامع و کامل باشد، باید تمام داستان‌های کوتاه مربوط به جنگ را که شخصیت محور است، در برمی‌گرفت؛ حال آنکه این اثر، دربردارنده تمام این داستان‌ها نیست و امید است در چاپ‌های بعدی به این داستان‌ها نیز پرداخته شود. نکته دیگر این است که در یک تقسیم‌بندی کلی مجموعه آثار داستانی جهان را از ابتدا تا به امروز می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ نخست داستان‌هایی که وجه عمده و چربش وزنی در آنها مربوط به موقعیت است، به این معنا که در این داستان‌ها، موقعیت است که غلبه دارد؛ دوم داستان‌هایی که شخصیت در آنها غلبه دارد. به نظر می‌رسد به جز مواردی استثنایی که ترکیب این دو مورد در آنها به چشم می‌خورد، در سایر موارد این تقسیم‌بندی کاملاً مشهود است؛ برای نمونه در آثار داستایوفسکی، شخصیت‌ها بسیار برجسته هستند؛ مثلاً راسکل نیکف «جنایت و مکافات» مخلوق ذهن داستایوفسکی است؛ اما چنان کامل و تمام عیار است که به مثابه شخصیتی نمادین جلوه نموده است. بنابراین داستایوفسکی در شخصیت‌پردازی شاخص‌تر از دیگران است. از نویسندگانی هم که موقعیت در آثار آنها برجسته است، کافکا است. به همین دلیل در آثار کافکا، شخصیت به چند حرف اختصاری تقلیل پیدا می‌کند؛ به این معنا که کاهش و تقلیل شخصیت در آثار کافکا در حد حرف است. بنابراین در آثار کافکا شخصیت زیر موقعیت و سیستم له می‌شود. شخصیت‌پردازی دو وجه دارد، یک وجه مربوط به خود شخصیت است و اینکه موقعیت جنگ، خود به خود شخصیت

تعریف شده‌ای در کتاب ندارد؛ لذا به‌طور کلی دسته‌بندی موضوعات به درستی صورت نگرفته است. در همین جا تفاوت داستان کوتاه با سایر گونه‌های ادبیات داستانی بیان شده است که ذکر آن ضرورتی ندارد؛ اگر هم ضرورتی می‌داشت، جای ذکر این مباحث در این فصل نبود و باید به فصول نخست منتقل می‌شد. این فصل به مثابه نوعی کارگاه آموزشی است که شخصیت‌پردازی، زاویه دید، پی‌رنگ، صحنه، گفت‌وگو، فضا، زبان، لحن، زمان، مکان، حادثه و به‌طور کلی همه عناصر داستانی را مطرح کرده و آموزش داده است که البته برای مبتدی‌ها و کسانی که در آغاز آشنایی با این مقوله‌ها هستند مفید است؛ ولی طرح آن برای کسانی که آشنا با این مباحث هستند، ضرورتی ندارد. فصل هفتم «شخصیت‌پردازی در داستان» است. در صفحه ۱۸۴ کتاب، «شخصیت‌پردازی در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس» مطرح شده است و در صفحه ۲۶۳ مجدداً «شخصیت‌پردازی در داستان» مطرح می‌شود؛ حال آنکه اگر قرار بود درباره شخصیت‌پردازی به عنوان یکی از عناصر اساسی که کتاب قصد طرح آن را دارد، مباحثی مطرح شود، باید به فصول قبل منتقل می‌شد؛ زیرا این بحث، تئوریک و تاریخی و نظری است، پس باید پیش از مباحث اصلی کتاب مطرح می‌شد. در همین بخش، پیشینه تاریخی شخصیت‌پردازی، شخصیت‌پردازی در داستان، شخصیت‌پردازی مستقیم و غیرمستقیم و مباحث خوبی از این دست مطرح می‌شود که قرار گرفتن این فصل در میان سایر فصول، ترتیب منطقی ندارد. در ادامه نویسنده به شخصیت‌پردازی در هفت مجموعه داستان کوتاه پرداخته است. در حقیقت همه مباحث پیشین مقدمه‌ای برای رسیدن به این بحث بود. بنده به دلایل این انتخاب‌ها و اینکه چرا و بر چه اساسی، آقای بارونیان این هفت مجموعه را انتخاب کرده‌اند، پی نبرده‌ام و به عقیده من ایشان می‌توانستند مجموعه‌های قوی‌تری انتخاب نمایند؛ البته این انتخاب‌ها مربوط به سلیقه است و ایراد محسوب نمی‌شود. نقایصی که بنده مطرح کردم بیشتر مربوط به رعایت نکردن ترتیب منطقی بین مباحث و فصول بود و ذکر مطالب دیگر را به فرصت‌های بعدی موکول می‌کنم.

دکتر سنگری: در ادامه از جناب آقای شیرزادی تقاضا می‌کنم

مباحث مورد نظر خود را مطرح نمایند.

حسن شیرزادی: قسمتی از مطالبی را که بنده لازم می‌دانستم

یادآوری نمایم، خانم سلیمانی مطرح فرمودند. به عقیده من این کار به‌رغم اینکه مدعی کاری پژوهشی و دانشگاهی است، روشمند نیست و برای همین ایراداتی که خانم سلیمانی بیان نمودند، تا حد قابل ملاحظه‌ای بر این اثر وارد است. البته از آنجا که این اثر، نخستین اثر در زمینه ادبیات داستانی و دفاع مقدس در حوزه داستان کوتاه است،

می‌پروراند؛ کما اینکه ما فراوان شاهد بودیم که افراد زیادی به محض ورود به جنگ شخصیت خود را رشد دادند و وجهه‌های مثبت شخصیت آنها، امکان ظهور و بروز پیدا کرد. البته موقعیت نیز در این میان بی‌تأثیر نبود. واقعیت این است که این موقعیت، دست‌کم در تاریخ معاصر ما موقعیتی استثنایی و رویدادی عظیم است. بنابراین دو مقوله وجود دارد؛ که یکی شخصیت‌پردازی در داستان‌های کوتاه جنگ و دیگری شخصیت‌پردازی حاصل از جنگ است و در اینجا دو موضوع مطرح می‌شود که یکی مربوط به واقعیت واقعی و دیگری مربوط به واقعیت داستانی است که متأسفانه در این کتاب به این امر پرداخته نشده و یا اینکه کمتر توجه شده است. واقعیت واقعی همان چیزی است که بنده خدمت شما عرض کردم و آن عرصه باورهایی است که جنگاور داخل آن قرار می‌گیرد و هر ساعت پرتپش آن می‌تواند مایه داستانی کوتاه و یا بنمایه یک رمان باشد. موضوع دیگر واقعیت داستانی است که در این فرآیند، واقعیت واقعی باید تبدیل به واقعیت داستانی شود. حال این فرآیند می‌تواند بازآفرینی و یا باز تولید واقعیت باشد. برخی از داستان‌هایی که در این اثر ذکر شده است باز تولید است؛ اما داستان‌های برجسته‌ای نیز وجود دارد که بازآفرینی واقعیت است و متأسفانه در این کتاب به این موضوع نیز چندان توجه نشده است. نویسنده محترم در بخش عظیمی از کتاب خود به عناصر داستانی از قبیل روایت و زاویه دید پرداخته‌اند؛ حال آنکه بهتر بود به جای این مباحث تئوریک که در کتاب‌های دیگر نیز مطرح شده است، به این قبیل موضوعات می‌پرداختند.

دکتر سنگری: در ادامه بنده نیز اجازه می‌خواهم نکاتی را درباره کتاب خدمت دوستان عرض نمایم. پیش از آن لازم می‌دانم به نکته‌ای مهم اشاره کنم و آن هم اینکه متأسفانه دانشگاه‌های ما از این قبیل مقولات و موضوعات خالی است حتی در دوره تحصیلات تکمیلی هم کوچک‌ترین الزامی برای خواندن یک داستان کوتاه وجود ندارد و کم نیستند کسانی که فارغ‌التحصیل آخرین مدارج علمی در حوزه ادبیات هستند، در حالی که یک داستان جهانی و ایرانی نخوانده‌اند؛ البته داستان به مفهوم پذیرفته شده و تعریف شده امروزی و به قول آقای علی معلم، وارد شدن به چنین قلمروها و حوزه‌ها و ساحت‌هایی در فضای امروزی، جرأتی یاغی می‌خواهد. گاهی ورود به این عرصه در حوزه ادبیات انقلاب اتفاقاً دشوارتر است، زیرا پرداختن به این حوزه عموماً مورد اقبال واقع نمی‌شود و کسی بدان توجه نمی‌کند؛ بنابراین باید بپذیریم که مشکلات زیادی وجود دارد. واقعیت است که ادبیات داستانی ما، هم‌پای سنتی‌ترین نوع ادبی جامعه یعنی شعر، توانسته است پیش بیاید و رشد کند. بنده طبق بررسی‌هایی که انجام داده‌ام، متوجه

شده‌ام از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۳ بیش از ۲۵۸ نویسنده ظهور کرده‌اند که درباره جنگ و دفاع مقدس سخن گفته‌اند و نوشته‌اند. تا سال ۱۳۷۰، حدود ۱۶۰۰ عنوان داستان کوتاه و ۴۶ رمان و داستان بلند در این حوزه تألیف شده است که قابل توجه است. همچنین بنده فاصله خلق اولین شعر در حوزه دفاع مقدس تا خلق اولین داستان در این حوزه را محاسبه کردم و متوجه شدم اولین داستان کوتاه جنگ، داستان «سرباز» اثر آقای میثاق امیرفجر است که در ۵۹/۷/۱۲ یعنی ۱۲ روز پس از جنگ تألیف شده است؛ لذا شعر کمی دیرتر وارد میدان می‌شود که این مسأله در جای خود قابل تأمل است و واقعیت هم این است که ما در حوزه داستان کوتاه، بسیار موفق بوده‌ایم. بررسی‌هایی که ما انجام داده‌ایم، مؤید آن است که تا سال ۱۳۸۷، حدود ۲ هزار جلد خاطره، ۴۰۰ جلد کتاب زندگی‌نامه غیرداستانی، ۸۰۰ جلد کتاب زندگی‌نامه داستانی، ۶۰۰ جلد کتاب داستان و صد جلد کتاب در حوزه داستان کودک داریم. اگر این موارد را با هم جمع بزنیم متوجه می‌شویم وضعیت داستان، خصوصاً داستان کوتاه در جامعه ادبی ما خوب است.

در مورد رمان و داستان بلند نیز باید بگویم ما نباید انتظار داشته باشیم در این دوره داستان بلند ظهور کند. به عقیده من جامعه ما، جامعه ظهور داستان بلند نیست؛ حتی امروزه در جهان هم در این حوزه تغییر رویکردی مشاهده می‌شود؛ لذا اینکه در فضای دانشگاهی، «جرأتی یاغی» پیدا شود و به این موضوع بپردازد، حقیقتاً تلاش او ستودنی است. بنده یقین دارم که در فضای دانشگاهی حتی مقدمات و الفبای داستان هم مطرح نمی‌شود. زمانی که بنده سعی کردم در تألیف کتاب‌های درسی، ادبیات جهان را وارد کتاب‌های درسی نمایم، افراد زیادی به من می‌گفتند وقتی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی با این حوزه آشنا نیستند، شما چگونه می‌خواهید این مقوله را در کتاب‌های درسی وارد نمایید؟ کسانی که خودشان این حوزه را نمی‌شناسند، چگونه می‌توانند آن را تدریس نمایند؟ در نظام دانشگاهی نیز کم هستند استادانی که بخواهند وارد این حوزه شوند و مسئولیت هدایت دانشجویان را در این حوزه بر عهده گیرند و متأسفانه آقای بارونیان هم با استاد راهنما و مشاور بوده‌اند که در این زمینه اطلاعات لازم و کافی نداشته‌اند و نمی‌توانسته‌اند کمک کافی و وافی بدیشان نمایند؛ لذا مطالبی که در پایان‌نامه ایشان مطرح شده است، به یاری و مشاوره استاد راهنما و مشاور بوده است؛ یعنی آنچه در مقدمه و نحوه فصل‌بندی آمده است با تذکر استاد راهنما و مشاور بوده است؛ اما درست آن است که مقدمه دست در دست متن اصلی گذارد و گره‌خوردگی بین مقدمه و متن اصلی کمتر حاصل شده است. قرار گرفتن اجزا درون این کتاب اندکی مکانیکی است، نه دینامیک. یعنی برای این سؤال که



بسیار خوبی است و به عنوان نخستین قدم در این حوزه بسیار مغتنم و با ارزش است.

حسن بارونیان: دربارهٔ صحبت‌هایی که سرکار خانم سلیمانی، آقای شیرزادی و آقای دکتر سنگری در زمینهٔ توالی و چینش فصل‌های کتاب مطرح فرمودند، باید بگویم گفته‌های استادان عزیز را در مورد حذف برخی فصول و تفصیل برخی فصول دیگر می‌پذیرم؛ اما به عقیدهٔ من در تبیین مسأله‌ای به اسم ادبیات دفاع مقدس و تحلیل و گزارش رویکردهای این‌گونه ادبی در عرصهٔ داستان کوتاه و شعر و سایر گونه‌ها و قالب‌های ادبی، با کمبود منابع پژوهشی و تحقیقی و حتی انتقادی روبه‌رو هستیم. یکی از مهم‌ترین دلایلی که موجب شد برخی از فصول کتاب مختصر و برخی دیگر مفصل نگاشته شود، همین کمبود منابع پژوهشی و تحقیقی در زمینهٔ جنگ بود؛ لذا سعی ما بر آن بود که این کتاب علاوه بر اینکه به تبیین و تحلیل و بررسی عنصر شخصیت‌پردازی در داستان کوتاه می‌پردازد، بتواند به ارتباط موضوع شخصیت‌پردازی به عنوان موضوعی کلی و برجسته با سایر عناصر و موضوعات مرتبط با آن بپردازد. طبق همین هدف‌گذاری، آشنایی کلی علاقه‌مندان و منتقدان و خوانندگان با پدیدهٔ جنگ در سطح جهانی ضروری به نظر می‌رسید؛ بنابراین لازم بود نمایی کلی از جنگ به خواننده ارائه داده شود و بعد از آن به جایگاه جنگ در ادبیات جهانی پرداخته شود. خوانندگان باید درمی‌یافتند جنگی که ما از آن صحبت می‌کنیم، مختص به هشت سال دفاع مقدس نیست و سابقهٔ آن در کل ادبیات جهان مشاهده می‌شود؛ جنگ جهانی دوم،

چگونه از این عناصر داستانی برای تحلیل این هفت مجموعه داستانی کوتاه بهره گرفته می‌شود، پاسخی نداریم. البته برای کلاس درس و برای درس‌های آکادمیک، به خوبی می‌توان از این مباحث بهره برد؛ اما اگر قرار باشد که در عصر بی‌حوصلگی آدم‌ها، عصری که انسان‌ها از دریافت‌های میان‌راهی خسته می‌شوند، با این مقدمات وارد بحث شویم، موفق نخواهیم بود. بنابراین آقای بارونیان یا باید به سرعت از این مقدمات عبور می‌کردند و یا اینکه مقدمات را به‌گونه‌ای طرح می‌کردند که بعدها در تحلیل متن هفت مجموعهٔ داستان کوتاه، از آنها بهره می‌بردند. به گمانم در بازنگری‌های بعدی می‌توان این نقایص را برطرف کرد. در ادامه لازم می‌دانم چند نکتهٔ دیگر را نیز خدمت دوستان عرض نمایم. اول اینکه آقای بارونیان در آغاز کارشان بسیار تحت تأثیر دیگران هستند. از آغاز بحث‌ها، گیومه‌ها باز می‌شود اما اندکی که جلوتر می‌آیند خودشان را از این تأثیرپذیری رها می‌کنند. در آغاز انبوهی از نقل‌قول‌ها مطرح می‌شود و از میانهٔ کتاب به بعد است که آقای بارونیان نظرات خود را مطرح می‌کنند و ما می‌توانیم حضور ایشان را در کتاب مشاهده کنیم. به عقیدهٔ من یک پایان‌نامهٔ خوب باید چند ویژگی داشته باشد؛ اول آنکه دانشجو در آن اجتهاد نماید یعنی به خود جرأت حرف زدن بدهد و شیفتهٔ هیچ اثری نباشد. در همین کتاب وقتی اولین اثر یعنی «کارون پر از کلاه» بررسی می‌شود، آقای بارونیان می‌گوید همهٔ پرداخت‌های نویسندهٔ این اثر به واقعیت نزدیک است؛ حال آنکه چنین نیست و هیچ اشکالی نداشت اگر آقای بارونیان ضعف‌های کتاب را نیز مطرح می‌کردند. دوم آنکه دانشجو نباید از پایان‌نامه دفاع کند؛ بلکه این پایان‌نامه است که باید از دانشجو دفاع نماید و چنین پایان‌نامه‌ای وقتی در میان جمع کثیری از پایان‌نامه‌ها قرار می‌گیرد، توجه مخاطبان را به خود جلب می‌کند و خصوصاً ارزش کار زمانی اوج می‌گیرد که منابع کافی نیز وجود نداشته باشد. وقتی همهٔ منابع برای خلق پایان‌نامه آماده باشند، دیگر نویسندهٔ پایان‌نامه نمی‌تواند حضور مؤثری در نگارش اثر داشته باشد. پایان‌نامهٔ خوب باید منبع جدید خلق کند؛ یعنی خودش تبدیل به منبع و مأخذی برای آثار دیگر گردد. نکتهٔ دیگر این است که انتخاب مجموعه داستان‌های کوتاه و چینش آنها در این اثر باید با دقت بیشتری صورت می‌گرفت. آقای بارونیان می‌توانستند مجموعه‌هایی را انتخاب نمایند که در سیر زمانی مشخصی تألیف شده‌اند و سیر تحول در قلمرو داستان‌های کوتاه را در این مسیر مشخص مورد بررسی قرار می‌دادند و به تحلیل نوع شخصیت‌پردازی در این مجموعه‌ها می‌پرداختند که متأسفانه چنین اتفاقی نیفتاده و این مقایسه صورت نگرفته است که اگر چنین می‌شد، ارزش کار بسیار بالا می‌رفت؛ البته به عقیدهٔ من اثر مذکور، مجموعهٔ



بارزین

دارد. در مورد سینما نیز همین طور است. سینمای جنگ نیز که خوراک آن از ادبیات فراهم می‌گردد، از حوزه‌های مهم و قابل توجه بود که باید حتماً مطرح می‌گردید و مورد بررسی قرار می‌گرفت. این نکته را نباید فراموش کنیم که هرچه ادبیات داستانی، قوی‌تر، غنی‌تر، پرمغزتر و نفوذتر باشد، به همان نسبت، سینما نیز قوی‌تر خواهد شد؛ چرا که آثار سینمایی معمولاً اقتباسی از ادبیات داستانی است؛ یعنی اگر ما در حوزه جنگ داستان‌های قوی داشته باشیم و فیلمسازان ما بتوانند به درستی از این داستان‌ها اقتباس نمایند، سینمای جنگ نیز سینمایی قوی و غنی خواهد بود. در مورد تئاتر و خاطره‌نگاشت‌ها نیز همین ذهنیت وجود داشت. خاطره‌نگاشت‌ها هرچند نوشته‌هایی روایی و فاقد عناصر داستانی خاص خود هستند، به عنوان یک قالب نوشتاری و روایی، می‌توانند دارای بنمایه‌های داستانی و شخصیتی باشند. در مورد فصل پنجم نیز که مربوط به ادبیات داستانی دفاع مقدس است باید بگوییم در این فصل ما از گونه‌های دیگر نظیر شعر، سینما، تئاتر و خاطره‌نگاشت فاصله گرفته‌ایم و به‌طور اختصاصی به ادبیات داستانی دفاع مقدس و ابعاد و آفاق کلی آن و رویکردهای اجتماعی، سیاسی، عرفانی، معنوی و آرمانگرایانه آن پرداخته‌ایم. در مورد پررنگ کردن صبغه آموزشی فصل ششم نیز باید بگوییم کسانی که برای نخستین بار می‌خواهند به مطالعه ادبیات داستانی بپردازند، باید تعریفی کلی از شخصیت‌پردازی، زاویه دید، تعویق، زمان، مکان و نوع روایت، در ذهن خود داشته باشند تا به هنگام مواجهه با نقد و تحلیل داستان، دچار مشکل نشوند و همین ضرورت بود که موجب گردید، تعریف‌هایی کلی در مورد این عناصر مطرح شود تا زمینه شناخت آنها در داستان فراهم گردد. در مورد فصل هفتم که محور اصلی کتاب است و شخصیت‌پردازی در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس را در بر می‌گیرد و بخش عمده این رساله را تشکیل می‌دهد، ذکر نکاتی را ضروری می‌دانم. نخست اینکه ما در تعیین و تبیین شخصیت‌پردازی در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس با مشکلاتی مواجه بودیم. آمار و ارقام داستان‌های کوتاه دفاع مقدس بسیار زیاد است. از زمانی که جنگ آغاز گردید تا پایان آن و اعلام آتش‌بس، آثار زیادی در این حوزه خلق گردید؛ لذا گزینش و چینش چند اثر برجسته در میان انبوه این آثار، کاری دشوار بود و دقت نظر و وسواس خاصی می‌طلبد. در انتخاب و گزینش این آثار می‌توانستیم چند موضوع و محور را اساس قرار دهیم و مثلاً بر اساس زمان تألیف این آثار و یا شرایط سنی نویسندگان و موارد دیگر، این آثار را انتخاب نماییم؛ اما در این صورت با مشکل مواجه می‌شدیم؛ لذا با راهنمایی و مشاوره شماری از استادان به این نتیجه رسیدیم که آثار برگزیده در جشنواره‌های ادبیات داستانی دفاع مقدس را ملاک

جنگ ژاپن، جنگ کره و جنگ اعراب و اسرائیل از جمله این جنگ‌ها است که نمودهای عینی آن در کل ادبیات به چشم می‌خورد. برای همین ما زمینه‌ای فراهم کردیم تا شمه‌ای از ادبیات جهان در ارتباط با جنگ جهانی و جنگ‌هایی که در سطح بین‌الملل اتفاق افتاده بود، در ادبیات داستانی بازگو شود. نکته دیگر اینکه جنگی که علیه ما صورت گرفت، تبعات زیادی در پی داشت و خواننده‌ای که با ادبیات این حوزه و خاصه ادبیات داستانی مواجه می‌شد، این سؤال برای او پیش می‌آمد که دلایل بروز این جنگ چه بود؟ و برای همین بود که مسأله جنگ در مدت کوتاهی در فرهنگ و ادبیات و سینما و تئاتر و نمایشنامه بروز پیدا کرد؛ لذا ما سعی کردیم زمینه‌ای فراهم آوریم و این مسأله را بازگو کنیم که این جنگ یک دفعه به وجود نیامد و علل و عوامل خاصی سبب بروز آن گردید که این علل باید بیان می‌شد و همین مسائل است که در ادبیات نیز منعکس شده است. در مورد نحوه فصل‌بندی کتاب و لزوم تغییر و جابه‌جایی این فصل‌ها که خانم سلیمانی اشاره نمودند باید بگوییم در رساله‌ها و پژوهش‌های دانشگاهی، طرح یک بعد و یک فصل به تنهایی کافی نیست، بلکه اجزا باید به صورت کلی بیان شوند. بنابراین حتماً باید مقدمات و فصل‌هایی به صورت پیش زمینه فراهم می‌گردید و ارتباط آن با این بعد از داستان و یا شخصیت داستانی مورد بررسی قرار می‌گرفت. بخشی از این مقدمات نیز مربوط به ادبیات دفاع مقدس بود که در این بخش لازم بود گونه‌های شعر نیز در کنار داستان کوتاه مطرح می‌گردد زیرا ادبیات دفاع مقدس فقط مربوط به داستان نیست و شعر نیز در این عرصه جایگاه خاص خود را



علی اصغر شیرزادی

گزینش و انتخاب خود قرار دهیم و در این انتخاب دو مؤلفه را در نظر گرفتیم؛ یکی اینکه داستان‌های انتخابی، داستان‌هایی باشند که مؤلفان آنها در جشنواره‌های ادبیات داستانی دفاع مقدس، جزء نفرات شایسته تقدیر بوده‌اند و دیگر اینکه مجموعه داستانی را انتخاب نماییم که بنا به رأی هیأت داوران، جزء آثار برگزیده در حوزه دفاع مقدس بوده است؛ لذا ما با در نظر گرفتن این دو نکته یعنی قابل تقدیر بودن مؤلف اثر و یا قابل تقدیر بودن خود اثر، به انتخاب در این حوزه دست زدیم. بنده تذکرات منتقدان عزیز را با جان و دل می‌پذیرم اما لازم می‌دانم نکته‌ای را خدمت دوستان عرض نمایم و آن اینکه در خوزستان که نقطه آغازین جنگ بوده است و مردم تبعات جنگ را با جان و دل پذیرفته‌اند، هیچ مرکز و مکان تحقیقی‌ای وجود ندارد که پژوهشگران را یاری رساند و شاید یکی از دلایل بروز نقایصی در اثر مورد بحث، کمبود منابع و متون آموزشی و انتقادی و فرهنگی در حوزه دفاع مقدس در منطقه خوزستان است. واقعیت این است که بعد مسافت بین خوزستان و تهران به پژوهشگران این منطقه اجازه نمی‌دهد به مدت طولانی در تهران حضور یابند و از منابع پژوهشی و آموزشی موجود استفاده نمایند، بنابراین این مسأله را نیز در زمینه بروز نقص و کاستی در اثر، مزید بر علت بدانید. کارهایی که در خوزستان و به‌طور کلی در مناطق جنوبی در این حوزه صورت می‌گیرد، به صورت خودجوش است و اینگونه نیست که ساکنان این منطقه همچون ساکنان پایتخت به منابع مهم و دست اول دسترسی داشته باشند. نکته دیگری که لازم می‌دانم خدمت دوستان عرض نمایم، در مورد علل و شرایط خلق داستان است. اولین چیزی که سبب خلق داستان می‌شود و جناب آقای شیرزادی هم بدان اشاره نمودند، موقعیت است. طبق بررسی‌هایی که بنده انجام داده‌ام، در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس، آنچه سبب خلق و آفرینش این آثار شده است، موقعیت و بستر زمانی و مکانی یعنی جبهه و جنگ بوده است. لذا این داستان‌ها بیشترین تأثیر را از جنگ و جبهه پذیرفته‌اند و نویسندگان از این بعد، به نحو احسن استفاده کرده‌اند و مکان و زمان را به شایستگی توضیح داده‌اند.

همچنان که آقای شیرزادی فرمودند، گاه نیز شخصیت سبب خلق داستان می‌شود؛ به این معنا که هیچ داستانی در جهان وجود ندارد که بدون شخصیت خلق شده باشد. شخصیت ساز و کار و اساس داستان است. اگر شخصیت از داستان حذف شود، دیگر داستانی وجود نخواهد داشت؛ بنابراین محور و اساس کار نویسندگان بیشتر بر حول محور شخصیت است. در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس نیز شخصیت‌ها بنا به ضرورت و وظایف مختلفی که در داستان دارند، ایفای نقش می‌کنند؛

لذا بنده در نقد و بررسی این مجموعه داستان‌ها، هر دو یعنی شخصیت و موقعیت را در نظر گرفته و با توجه به آنها به تحلیل آثار پرداخته‌ام.

دکتر سنگری: آقای بارونیان، ما نیز این مسأله را می‌پذیریم که شما با سختی این کار را به پایان رسانده‌اید. دست‌کم خود بنده شاهد این مسائل و مشکلات بوده‌ام و برای همین است که اثر شما به حق ستودنی است؛ اما نکاتی که دوستان مطرح فرمودند، چه در حوزه سازماندهی بحث که خانم سلیمانی اشاره فرمودند و چه نکاتی که آقای شیرزادی در مورد تبیین و دسته‌بندی بحث شخصیت‌پردازی بیان نمودند، نکاتی قابل تأمل است که حتماً باید مورد توجه قرار گیرد و احیاناً در چاپ‌های بعدی لحاظ شود. گاهی ما فرض را بر آن قرار می‌دهیم که مخاطب، مسائلی را می‌داند و آنها را مطرح نمی‌کنیم؛ حال آنکه نمی‌داند و گاه مخاطب چیزهایی را می‌داند و ما فرض را بر این قرار می‌دهیم که مخاطب آنها را نمی‌داند. در مورد کتاب آقای بارونیان نیز همین مسأله مشاهده می‌شود. بخشی از مسائلی که ایشان مطرح کرده‌اند، مسائلی است که مخاطب بدان آگاهی دارد؛ لذا این مطالب باید حذف شود و یا اینکه دست‌کم تقلیل پیدا کند؛ برای نمونه نظرگاه‌های مختلف در مورد شخصیت‌پردازی به گستردگی مطرح شده است که نویسنده می‌توانست در حد معقول و جزئی بدان بپردازد. مسائلی نیز وجود دارد که اصلاً در کتاب بدان اشاره نشده است؛ حال آنکه باید مطرح می‌شد. مثلاً به عقیده من دلیل انتخاب این مجموعه‌ها باید در کتاب ذکر می‌شد تا خواننده در جریان آن قرار بگیرد و در مورد درستی و یا نادرستی این انتخاب‌ها قضاوت کند.